



بررسی رابطه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و بی‌تفاوتی اجتماعی با تاکید بر

نقش میانجی هنر و دین‌داری در سبک زندگی شهر گرگان

سودابه قلیچ^۱، علیرضا اسماعیلی^۲، عیسی حسن‌زاده^۳، رحمت الله امیر احمدی^۴

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران gholichi99@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران ae504319@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران. hasanzade@gmail.com

^۴ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران. ahmadi99@gmail.com

چکیده

هنر و دین از گذشته‌های دور، دو رکن مهم در حیات جوامع بشری بوده‌اند. امروزه با توجه به ایجاد تغییرات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ضرورت بررسی این مقوله‌ها در سبک زندگی مطرح می‌گردد. این تحقیق به روش پیمایش و از نوع کاربردی به «بررسی رابطه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و بی‌تفاوتی اجتماعی با نقش میانجی هنر و دین‌داری در شهر گرگان» می‌پردازد. جامعه آماری، شهروندان بالای هجده سال شهر گرگان بوده که شامل ۲۵۰۳۱۲ تن می‌شود. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۴۱۴ نفر از آنان به‌صورت تصادفی بررسی شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS ۲۶ استفاده شد. آزمون فرضیه‌ها از طریق محاسبه ضریب همبستگی و ضریب تعیین تعدیل شده و خط رگرسیون پیش‌بینی‌کننده و آزمون سویل انجام شد. نتایج نشان داد میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان در حد متوسط رو به بالا بوده و میزان دین‌داری در حد بالا به دست آمد. در آزمون فرضیه‌های تحقیق (همبستگی پیرسون) مشخص شد که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی با مقدار (۰/۱۵۵-) و دین‌داری با مقدار (۰/۲۸۹-) رابطه معناداری با بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد. همچنین تمام مؤلفه‌های جامعه‌شناختی رابطه معناداری با بی‌تفاوتی اجتماعی داشته و جهت رابطه منفی بوده است. همچنین در آزمون فرضیه‌های میانجی، مشخص شد که عامل میانجی گر دین‌داری برای نظام ارزشی، سبک زندگی و سرمایه اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

اهداف پژوهش

۱. بررسی رابطه بین هنر و دین‌داری با بی‌تفاوتی اجتماعی در سبک زندگی شهر گرگان.
۲. بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در سبک زندگی در شهر گرگان.

سؤالات پژوهش

۱. چه رابطه‌ای میان هنر و دین‌داری با بی‌تفاوتی اجتماعی در گرگان وجود دارد؟
۲. بی‌تفاوتی اجتماعی تا چه اندازه در سبک زندگی مردم گرگان وجود دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۴

دوره ۱۸

صفحه ۳۷۷ الی ۳۹۰

۱۳۹۹/۰۳/۰۴

تاریخ ارسال مقاله:

۱۳۹۹/۰۵/۱۶

تاریخ داوری:

۱۳۹۹/۰۷/۱۷

تاریخ صدور پذیرش:

۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ انتشار:

کلمات کلیدی

تبیین جامعه‌شناختی، شهرستان گرگان، بی‌تفاوتی اجتماعی، دین‌داری.

ارجاع به این مقاله

قلیچی، سودابه، اسماعیلی، علیرضا، حسن زاده، عیسی، امیراحمدی، رحمت الله. (۱۴۰۰). بررسی رابطه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و بی‌تفاوتی اجتماعی با تاکید بر نقش میانجی هنر و دین‌داری در سبک زندگی شهر گرگان. هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۳۷۷-۳۹۰.



[dori.net/dor/20.1001.1.1,1735708,1400,18,44,2,7](https://doi.org/10.22034/IAS.1,1735708,1400,18,44,2,7)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.25056.1362

مقدمه

امروزه بی‌تفاوتی اجتماعی^۱ به‌عنوان یکی از آسیب‌های جدی در حوزه شهروندی، به حالتی اطلاق می‌شود که در آن شاهدان و ناظران در کمک به افرادی که در یک موقعیت اضطراری قرار دارند و شدیداً نیازمند کمک هستند، مشارکتی ندارند و با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذرند. شهر گرگان اگرچه به دلیل واقع شدن در شمال کشور و با برخورداری از منابع طبیعی فراوان، دارا بودن اقلیم مناسب و پتانسیل‌های سرشار، در زمینه‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری، استعداد و توانمندی‌های فراوانی را به خود اختصاص داده است؛ ولی همواره با مسائل و مشکلاتی دست به گریبان است که از جمله می‌توان به افزایش فقر، کمبود خدمات شهری، نبودن امکانات و تسهیلات متناسب با جمعیت در هر محله، گسترش حاشیه‌نشینی، پیدایش زاغه‌ها و مسکن غیررسمی و غیره اشاره کرد (سادات شفائی املش، ۱۳۹۵: ۷).

گرگان به‌عنوان یکی از شهرهای پرجمعیت استان گلستان، با توجه به دارا بودن تنوع فرهنگی بالا و قرار گرفتن در مسیر اصلی استان‌های مازندران، گیلان، خراسان شمالی، خراسان رضوی و تهران همواره می‌تواند کانونی برای بسیاری از مسائل و مشکلات قرار گیرد. در این میان در مواجهه با مسائل شهری و زندگی ماشینی، مستعد بروز بی‌تفاوتی اجتماعی و گسترش فرهنگ فردگرایی است. چندفرهنگی بودن، کاهش امکانات رفاهی نسبت به شهرهای نزدیک به پایتخت، بالا بودن میزان بیکاری، افزایش موج خشونت و خودکشی، طلاق و سایر مسائل اجتماعی، نمونه‌های تأمل‌برانگیز از چگونگی بروز و گسترش یک مسئله اجتماعی در این شهر است. با افزایش جمعیت، سبک زندگی‌های هسته‌ای، کاهش روابط اجتماعی و غریب بودن افراد نسبت به وضع و احوال یکدیگر یا به عبارت دیگر، گمنام و ناشناخته بودن در برخی از افراد می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای بی‌تفاوتی (که خودش در بسیاری موارد منجر به رفتارهای خلافکارانه و مجرمانه مانند سرقت و جنایت) باشد. درباره انتخاب قلمرو مکانی پژوهش قابل تأمل است که شهر گرگان مرکز استان گلستان است و از نظر بسیاری، نگین اقوام ایرانی خوانده شده و گروه‌های قومی و مذهبی متنوعی در آن زندگی می‌کنند. تنوع قومی و مذهبی موجب ایجاد شکاف‌های اجتماعی فراوانی می‌شود که بی‌تفاوتی اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. نتایج برخی از مطالعات انجام‌شده در استان گلستان نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره ششم به دوره هفتم به مقدار تقریبی ۱۳ درصد کاهش یافته است. همچنین براساس تحقیق رسولی شورستان (۱۳۹۷) میزان احساس امنیت در شهر گرگان در سطح پایین‌تر از متوسط است. براساس مطالعه خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۸) میانگین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان گرگانی به ترتیب ۲/۶۷۴ و ۳/۴۴۲ از ۵ است که در حد «کم» و «متوسط» ارزیابی می‌شود.

مسئله‌ای که در رابطه با بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه ایرانی وجود دارد و متأسفانه مطابق نتایج تحقیقات به‌عمل‌آمده تا کنون، نرخ آن نیز رو به افزایش است، این است که سؤالاتی در ارتباط با چنین جامعه‌ای بی‌پاسخ باقی مانده است.

^۱Social Apathy

از جمله آن می‌توان به این نکات اشاره کرد: با وجود تاریخ، فرهنگ و نهاد قدرتمند مذهب در جامعه ایران، چه دلایل و زمینه‌های جامعه‌شناختی موجب شکل‌گیری بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران شده است؟ چرا با وجود توصیه اخلاقی و فقهی اسلام، افراد در مواجهه با مسائل فرهنگی (مانند معضل حجاب، تجاوز به عنف، بی‌توجهی به میراث فرهنگی تاریخ ایران و...)، اقتصادی (فقر، تورم، رکود، گران‌فروشی و ...) و اجتماعی (مانند مطالبات عمومی، تعاون، نابرابری، مفاسد اداری، مفاسد اخلاقی و...) واکنشی نشان نمی‌دهند؟ سؤالاتی از این قبیل، پژوهشگر را بر آن داشت در وهله اول به بررسی وجود یا نبود رابطه میان متغیرهای جامعه‌شناختی با بی‌تفاوتی اجتماعی بپردازد. در وهله دوم، نقش دین‌داری را در این رابطه تعیین نماید؛ بدین صورت که آیا دین‌داری قادر به ایفای نقش میانجی در رابطه میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و بی‌تفاوتی اجتماعی است؟

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایش است. جامعه آماری این پژوهش را تمامی شهروندان بالای هجده سال شهر گرگان تشکیل می‌دهند که برحسب آمار آخرین سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ به ۲۵۰۳۱۲ نفر رسیده است. با توجه به تعداد زیاد جامعه آماری، نمونه‌گیری به عمل آمد. نمونه‌گیری کمی با توجه به جدول مورگان تعداد ۳۸۴ نفر بوده که برای بالا بردن اعتبار داده‌های تحقیق، تعداد ۴۱۴ نفر به صورت تصادفی و به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. برای گردآوری اطلاعات نیز در پژوهش حاضر، از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه نخست برای سنجش متغیر دین‌داری تنظیم شده است. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه گلارک و استارک در تحقیق قائمی و همکاران (۱۳۹۴) تهیه شده است. در پرسشنامه دوم برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی پرستاران تنظیم شده است. این پرسشنامه بر مبنای نظریه سرمایه اجتماعی (ناهاییت و گوشال، ۱۹۹۸) در تحقیق اونق (۱۳۸۴) و قلیچ لی و مشبکی (۱۳۸۵) تهیه شده است. پرسشنامه سوم برای سنجش متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی تنظیم شده است. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه سایمون‌سدر تحقیق میرزا پوری (۱۳۹۵) تهیه شده است. پرسشنامه چهارم برای سنجش متغیر امنیت اجتماعی تنظیم شده است. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه بوزان و آل ویورد در تحقیق (تقیلو: ۱۳۸۴؛ حسینی: ۱۳۸۸) تهیه شده است. پرسشنامه پنجم برای سنجش متغیر سبک زندگی تنظیم شده است. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه گیدنز در تحقیق (فکوهی: ۱۳۸۲؛ فاضلی: ۱۳۸۶ و آقابخشی، ۱۳۷۵) تهیه شده است. پرسشنامه ششم برای سنجش متغیر نظام ارزشی تنظیم شده است. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه آلپورت در تحقیق (قنبر علی و همکاران: ۱۳۸۷) تهیه شده است. پرسشنامه هفتم برای سنجش متغیر رسانه‌های نوین تنظیم شده است. این پرسشنامه به صورت محقق ساخته تهیه شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون نرمال بودن، آزمون همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون استفاده شد. برای انجام این تحلیل‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

۱. بی‌تفاوتی اجتماعی

بی‌تفاوتی اجتماعی به نظر گانز (۱۹۹۹) به مثابه مفهومی اخلاقی و پدیده‌ای جامعه‌شناختی به معنای علاقه اندک یا عدم تعلق در حیات اجتماعی آدمیان محسوب می‌گردد. برخی بی‌تفاوتی را در مقابل مفهوم نوع‌دوستی قرار داده‌اند و

برخی دیگر آن را مقابل مفهوم مشارکت و درگیری قرار می‌دهند (صفریان، ادهمی و علی مرادی، ۱۳۹۹: ۲۵۵). ابعاد بی‌تفاوتی اجتماعی را می‌توان به دو بُعد نوع‌دوستانه و مدنی قابل تفکیک دانست. یکی بی‌تفاوتی نوع‌دوستانه به معنای بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی نسبت به کنش‌های مشارکتی مبتنی بر اعمال نوع‌دوستانه و اولویت منافع دیگران بر نفع شخصی است. افراد در این وضعیت از مجموعه فعالیت‌ها و کنش‌های مرتبط با نفع دیگران و بدون چشمداشت آنی، اجتناب می‌ورزند. دوم بی‌تفاوتی مدنی به معنای بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی نسبت به کنش‌های اجتماعی مرتبط با شکل‌گیری جامعه مدنی است: دوری از مجموعه فعالیت‌های مبتنی بر منافع عمومی در قالب شاخصه‌های جامعه مدنی است که منافع و آثار مطلوب آن به صورت غیرمستقیم و در یک فرآیند اجتماعی به افراد برمی‌گردد (نوابخش، میرزاپوری و لولکلا، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۵).

رشد صنعت و فناوری، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسارگسیخته جمعیت، جابجایی‌های بزرگ جمعیتی، گسترش شهرنشینی، همسایگی فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، گسترش منطق خشک محاسبه‌گرایانه در سبک زندگی مدرن، عقلایی شدن رفتار و انتخاب انسان‌ها، تشدید فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادهای مذهبی، از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی از دید کارشناسان مسائلی است که به نوعی با بی‌تفاوتی ارتباط می‌یابد. در ایران مذهب، با وجود فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ داشته، همواره یکی از عناصر موجود در عرصه زندگی اجتماعی است. به خصوص پس از پیروزی انقلاب و نهادینه شدن دین، توانسته است بر گستره زیادی از زندگی اجتماعی افراد سایه افکند. با پیروزی انقلاب متدینان که پیش از آن، نقش تماشاگر منفعل یا مخالف رژیم سیاسی را بازی می‌کردند، به عناصر فعال و بازیگر تبدیل شدند. بر این اساس نخبگان مذهبی به رأس هرم سیاسی راه یافتند و تلاش برای اسلامی کردن اجتماع در تمام ابعاد جامعه به مثابه آرمان محوری و اساسی آغاز شد. به طوری که در حال حاضر هم حکومت ماهیت دینی دارد و هم براساس پژوهش‌های تجربی، دینداری از مشخصه‌های افراد جامعه ایرانی محسوب می‌شود. دین‌داری می‌تواند از آن جهت در بی‌تفاوتی مهم باشد که میزان پایین آن ممکن است به شکسته شدن قبح بسیاری از ناپهنجاری‌ها در جامعه بیانجامد و به تبع آن زمینه بی‌تفاوتی اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی گردد. در دین مبین اسلام شعائر ارزشی آن بر احساس تعلق به جمع، مهرورزی، نیکوکاری، یاری‌گری و خدمت به هموعان است و در نظام ارزشی جامعه ایرانی و اسلامی با ترویج این ارزش‌ها، با هدف ایجاد روحیه اجتماعی در افراد، باعث تقویت احساس مسئولیت شخص در زمینه مسائل اجتماعی خویش می‌گردد (باقریانی، ۱۳۹۳: ۸۰).

۲. هنر و سبک زندگی

سبک زندگی از مهم‌ترین مسائل حوزه فرهنگ است. هنر به عنوان کارآمدترین اثر در تربیت به کار گرفته می‌شود تا پیام انسان‌ساز مکتب توحید را در قالبی زیبا و جذاب ارائه دهد. هنر نیرومندترین وسیله ارشاد و تبلیغ اخلاقی است. بورديو با نشان دادن اینکه سبک‌های زندگی، محصول منش‌ها، خود نقش‌ها و تابعی از انواع تجربه‌ها از جمله آموزش است، الگوهای رسمی در ساختار سرمایه‌داری و بازتولید آن را تحلیل کرد. سبک زندگی به عنوان شاخصه، نماد یا حتی

فرصت‌های جلوه‌گری یا اثبات منزلت اجتماعی گروه‌های منزلتی و طبقات اجتماعی بهره می‌گیرد (اکبرپور، خرم آبادی، ۱۳۹۳: ۱). با این تفاسیر هنر توانسته است با نقش آفرینی در ابعاد مختلف حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد در جوامع امروزی تبدیل به یکی از عوامل تأثیرگذار در سبک زندگی گردد.

ارتباط جامعه‌شناسی هنر و ایدئولوژی از مهم‌ترین رویکردها در قلمرو نظریه‌پردازی و نقد هنری است. جامعه‌شناسی هنر به عنوان یک علوم و ایدئولوژی به عنوان متغیر تأثیرگذار بر دانش اجتماعی مذکور به رویکرد مطرح محافل، صاحب‌نظران، نظریه‌پردازان و منتقدان هنری تبدیل شده است. رهیافت جامعه‌شناسی هنر بر آن است که آثار هنری را از زوایه انگیزه‌های هنرمند، خاستگاه طبقاتی و دیگر ابعاد هنری مورد بررسی قرار دهد. در نگرش‌های جامعه‌شناسی هنر معمولاً به سرمایه‌داری و نظام‌های سیاسی و فرهنگی روح اعتراض وجود دارد یا و کمتر گزارش واقعی از واقعیت‌های موجود مشاهده می‌شود. همین نکته ارتباط هنر و ایدئولوژی و جامعه را بازگو می‌کند (ره‌نورد، ۱۳۸۰: ۵). با توجه به دانشی که جامعه‌شناسی هنر در اختیار ما قرار می‌دهد، این مهم آشکار می‌شود که هنر یکی از عوامل مهم در فراز و فرود زندگی فردی و اجتماعی افراد در عصر حاضر است.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. فرضیه‌های تحقیق در قالب دو گروه فرضیه‌های اصلی و فرضیه‌های فرعی سنجیده شد:

فرضیه‌های اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

۱- بین مؤلفه‌های جامعه‌شناختی با بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر گرگان رابطه معنی‌داری وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی و ضریب تعیین تعدیل شده و خط رگرسیون پیش‌بینی‌کننده استفاده می‌کنیم. نتایج آزمون مربوط به ارتباط میان این دو متغیر در جداول شماره (۱) و (۲) ارائه شده است.

جدول شماره (۱) خلاصه مدل رگرسیونی بین جامعه‌شناختی و بی‌تفاوتی اجتماعی

مدل	R	R ²	ADJ. R ²	آماره F	Sig
ورودی	- ۰/۱۵۵	۰/۰۲۴	۰/۰۲۲	۹/۳۹۰	۰/۰۰۲

جدول شماره (۲): بررسی معنی‌داری فرضیه اصلی اول

Model	ضرایب استاندارد نشده		t آماره	سطح معناداری
	ضریب B	انحراف استاندارد		
ثابت	۳/۰۴۹	۰/۱۶۴	۱۸/۵۸۵	۰/۰۰۰
نظام	-۰/۱۳۱	۰/۰۴۳	-۳/۰۶۴	۰/۰۰۲
ارزشی				

همانطور که در جدول بالا آمده است، ضریب همبستگی خطی پیرسون برابر $0/155-$ شده است پس در سطح اطمینان $0/95$ می‌توان گفت که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دارد. به این معنی که به موازات افزایش مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان شهر گرگان کاسته می‌شود. مقدار آماره t برای نظام ارزشی برابر $18/585$ با سطح معناداری $0/000$ از طریق نرم افزار SPSS محاسبه گردیده است. به دلیل اینکه سطح معناداری آن کمتر از $0/05$ است، می‌توان با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت که بین آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

۲- دینداری در رابطه بین مؤلفه‌های جامعه‌شناختی با بی‌تفاوتی اجتماعی تاثیرگذار است.

برای بررسی تاثیر متغیر میانجی از آزمون سوپل استفاده می‌کنیم. با استفاده از دو روش زیر می‌توان مقدار آماره آزمون سوپل را بدست آورد. در روش اول از ضرایب رگرسیون (همان Path Coefficient) و خطای استاندارد (Standard error) و در روش دوم از آماره تی (t-Statistic) استفاده می‌شود.

اگر مقدار آماره آزمون به دست آمده از مقدار $1/96$ بیشتر باشد، نشان دهنده این است که فرض صفر (مبنی بر اینکه متغیر میانجی نقشی در میان رابطه متغیر مستقل و وابسته ندارد)، در سطح خطای $0/05$ رد شده و تأثیر میانجی در این رابطه معنی‌دار است. در این روش مقدار اثر غیرمستقیم با رابطه 1 محاسبه می‌شود.

$$\text{Z-value} = \frac{t_a \times t_b}{\sqrt{(t_a^2 + t_b^2)}} \quad (\text{رابطه ۱})$$

جدول شماره (۳): آزمون فرضیه اصلی دوم تحقیق

نتیجه	Z-value	t_b	t_a	متغیر وابسته ←	متغیر مستقل ←	متغیر میانجی ←
تأیید	۱/۹۷	۱/۹۴	۱/۴۹۹	← جامعه‌شناختی	← سبک زندگی	← مؤلفه‌های جامعه‌شناختی
		۳	۲			بی‌تفاوتی اجتماعی

همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌گردد، مقدار Z-value حاصل آزمون سو بل برابر با ۱۱/۹۷ است که به دلیل بیشتر بودن از ۱/۹۶، می‌توان اظهار داشت که در سطح اطمینان ۹۵٪ تأثیر متغیر میانجی دین‌داری در رابطه میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و بی‌تفاوتی اجتماعی، معنادار است؛ بنابراین اثر غیرمستقیم مشاهده‌شده از نظر آماری معنادار بوده، فرضیه دوم اصلی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در ادامه به بررسی نتیجه فرضیه‌های فرعی پژوهش حاضر پرداخته شده است. فرضیه‌های فرعی اول تا ششم پژوهش به شرح زیر است:

۱. بین نظام ارزشی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛
۲. بین سبک زندگی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛
۳. بین امنیت اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛
۴. بین رسانه‌های نوین و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛
۵. بین سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛
۶. بین دین‌داری و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه‌ها از ضریب همبستگی و ضریب تعیین تعدیل شده و خط رگرسیون پیش‌بینی‌کننده استفاده می‌کنیم. نتایج در جداول شماره (۴) و (۵) ارائه شده است:

جدول شماره (۴): خلاصه مدل رگرسیونی بررسی فرضیه‌های فرعی اول تا ششم تحقیق

فرضیه فرعی	R	R ²	ADJ. R ²	آماره F	Sig
۱	-۰/۱۱۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۱	۵/۳۹۷	۰/۰۲۱
۲	-۰/۲۲۶	۰/۰۵۱	۰/۰۴۹	۲۰/۵۱۷	۰/۰۰۰
۳	-۰/۱۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۴/۵۹۷	۰/۰۳۳
۴	-۰/۲۰۸	۰/۰۴۳	۰/۰۴۱	۱۷/۱۷۷	۰/۰۰۰
۵	-۰/۲۸۲	۰/۰۸۰	۰/۰۷۷	۳۲/۹۰۴	۰/۰۰۰
۶	-۰/۲۸۹	۰/۰۸۴	۰/۰۸۱	۳۴/۶۸۴	۰/۰۰۰

جدول شماره (۵): آزمون فرضیه‌های فرعی اول تا ششم تحقیق

فرضیه	Model	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t آماره	سطح معناداری
		ضریب B	انحراف استاندارد			
۱	نظام ارزشی	-۰/۰۹۴	۰/۰۴۰	-۰/۱۱۸	-۲/۳۲۳	۰/۰۲۱
۲	سبک زندگی	-۰/۲۷۱	۰/۰۶۰	-۰/۲۲۶	-۴/۵۳۰	۰/۰۰۰
۳	امنیت اجتماعی	-۰/۱۰۴	۰/۰۴۹	-۰/۱۰۹	-۲/۱۴۴	۰/۰۳۳
۴	رسانه‌های نوین	-۰/۲۲۵	۰/۰۵۴	-۰/۲۰۸	-۴/۱۴۴	۰/۰۰۰
۵	سرمایه اجتماعی	-۰/۳۱۷	۰/۰۵۵	-۰/۲۸۲	-۵/۷۳۶	۰/۰۰۰
۶	دین‌داری	-۰/۲۹۲	۰/۰۵۰	-۰/۲۸۹	۵/۸۸۹	۰/۰۰۰

چنان که از جدول شماره (۵) بر می‌آید، میان تمام متغیرهای «نظام ارزشی»، «سبک زندگی»، «امنیت اجتماعی»، «رسانه‌های نوین»، «سرمایه اجتماعی» و «دین‌داری» با بی‌تفاوتی اجتماعی، رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد و تمامی فرضیه‌های مذکور مورد تأیید هستند؛ به گونه‌ای که هر چه نمره متغیرهای مذکور در فرد بالاتر باشد، متعاقباً بی‌تفاوتی اجتماعی فرد، کمتر می‌شود. همچنین مطابق نتایج مذکور، متغیر دین‌داری با ضریب همبستگی خطی پیرسون برابر ۰/۲۸۹-، بیشترین تأثیر و متغیر امنیت اجتماعی با ضریب همبستگی خطی پیرسون برابر ۰/۱۰۹-، کمترین تأثیر را بر بی‌تفاوتی اجتماعی داشتند.

فرضیه‌های فرعی هفتم الی یازدهم تحقیق حاضر نیز به شرح زیر است:

۷. دین‌داری در رابطه بین نظام ارزشی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است؛
۸. دین‌داری در رابطه بین سبک زندگی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است؛
۹. دین‌داری در رابطه بین امنیت اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است؛
۱۰. دین‌داری در رابطه بین رسانه‌های نوین با بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است؛
۱۱. دین‌داری در رابطه بین سرمایه اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است.

برای بررسی تأثیر متغیر میانجی از آزمون سوبل استفاده می‌کنیم. با استفاده از دو روش زیر می‌توان مقدار آماره آزمون سوبل را به دست آورد. در روش اول از ضرایب رگرسیون (همان Path Coefficient) و خطای استاندارد (Standard error) و در روش دوم از آماره تی (t-Statistic) استفاده می‌شود. اگر مقدار آماره آزمون به دست آمده از مقدار $1/96$ بیشتر باشد، نشان‌دهنده این است که فرض صفر (مبنی بر اینکه متغیر میانجی نقشی در میان رابطه متغیر مستقل و وابسته ندارد)، در سطح خطای $0/05$ رد شده و تأثیر میانجی در این رابطه معنی‌دار است. در این روش مقدار اثر غیرمستقیم با رابطه ۴-۱ محاسبه می‌شود. نتایج بررسی آزمون فرضیه‌ها در جدول شماره (۶) ارائه شده است:

جدول شماره (۶): آزمون فرضیه‌های فرعی هفتم تا یازدهم تحقیق

نتیجه	Z-value	t_b	t_a	متغیر مستقل ← متغیر میانجی ← متغیر وابسته
تأیید	۲/۴۸	۳/۲۴۲	۳/۸۴۹	نظام ارزشی ← دین‌داری ← بی‌تفاوتی اجتماعی
تأیید	۱/۹۸	۳/۲۴۲	۲/۵۰۶	سبک زندگی ← دین‌داری ← بی‌تفاوتی اجتماعی
عدم تأیید	۱/۳۷	۳/۲۴۲	۱/۵۱۲	بی‌تفاوتی اجتماعی ← دین‌داری ← امنیت
عدم تأیید	۰/۰۷۲	۳/۲۴۲	۰/۰۷۲	بی‌تفاوتی اجتماعی ← دین‌داری ← رسانه‌های نوین
تأیید	۲/۴۷	۳/۲۴۲	۳/۸۰۸	بی‌تفاوتی اجتماعی ← دین‌داری ← سرمایه

چنانچه از نتایج ارائه شده در جدول شماره (۶) بر می‌آید، دین‌داری در رابطه میان متغیرهای «نظام ارزشی و بی‌تفاوتی اجتماعی»، «سبک زندگی و بی‌تفاوتی اجتماعی»، «سرمایه و بی‌تفاوتی اجتماعی» نقش میانجی ایفا می‌نماید؛ اما میان متغیرهای «امنیت و بی‌تفاوتی اجتماعی» و «رسانه‌های نوین و بی‌تفاوتی اجتماعی»، نقش میانجی ایفا نمی‌کند؛ لذا فرضیه‌های نهم و دهم پژوهش تأیید نشد.

نتیجه‌گیری

بی‌تفاوتی اجتماعی در واقع نقطه مقابل مشارکت‌های اجتماعی است و به‌عنوان مسئله مورد توجه جامعه‌شناسان به‌خصوص قرار گرفته است. مک لگان و نل، مسئولیت‌پذیری انسان را ضروری و بی‌تفاوتی اجتماعی را ویرانگر توصیف کرده‌اند. تحقق نگرفتن مشارکت‌های عمومی می‌تواند حاصل فقدان احساس دموکراتیک در بین افراد باشد و فرصتی برای هیات خودکامه که از بی‌اراده‌گی افراد به نفع جمعی خود بهره می‌گیرند و مناسبات سیاسی و اجتماعی را به سود خود تغییر می‌دهند؛ بنابراین نتایج حاصله با تئوری‌های بی‌تفاوتی اجتماعی همسو بوده است. از سوی دیگر نتایج تحقیقات داخلی (کلانتری و همکاران (۱۳۸۵)، نادری و همکاران (۱۳۸۸)، گیوی و همکاران (۱۳۹۵۶)، محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰) مبنی بر میزان متوسط بی‌تفاوتی در جامعه ایرانی با نتایج حاضر نیز همسو بوده است. همچنین در تحقیقات خارجی، افزایش روند بی‌تفاوتی اجتماعی با تحقیق المیز جاجی (۲۰۰۱) همسو بوده است.

در آزمون فرضیه اصلی نخست مشخص شد بین مؤلفه‌های جامعه‌شناختی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش میزان مؤلفه‌های اجتماعی از میزان بی‌تفاوتی‌های اجتماعی درباره جامعه مورد بررسی کاسته می‌شود و برعکس با کاهش میزان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی بر بی‌تفاوتی اجتماعی افزوده می‌شود.

در آزمون فرضیه اصلی دوم مشخص شد که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی در رابطه با نقش میانجی دینداری بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار بوده است و این میزان تأثیرگذاری معنادار بود. همچنین مشخص گردید که از بین مؤلفه‌های جامعه‌شناختی سه متغیر نظام ارزشی، سبک زندگی و سرمایه اجتماعی را در رابطه با نقش میانجی دینداری بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار نشان داده است. همان‌طور که اینگلهارت، دگرگونی فرهنگی و ارزشی را امری تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه نسل‌های مختلف قلمداد می‌کند. به نظر وی نظام ارزشی فرد تحت تأثیر وضع اقتصادی او نیست؛ بلکه بیشتر از آن، بر اثر محیط‌های فرهنگی و نهادهای رفاه اجتماعی سامان می‌پذیرد و مجموعاً فضای پرورش و رشد فرد را شکل می‌دهند. از دیدگاه اینگلهارت ارزش‌ها به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود. هدف ارزش‌های فرامادی، ارضای نیازهای درونی، به خاطر اعتبار اجتماعی و مشارکت جمعی است. نتایج حاضر مبنی بر نقش مشارکت‌های مدنی و سیاسی و اجتماعی دیگر در بی‌تفاوتی اجتماعی با نتایج تحقیقات خارجی گسن (۱۹۹۲) و اسپنرگ و شیپرز (۱۹۹۱) همسوست.

از طرفی استرلین، تبیینی اقتصادی و جمعیت‌شناختی از بی‌تفاوتی ارائه کرده و معتقد است که تمایلات و روندها در ارتباط با بی‌تفاوتی سیاسی تا اندازه‌ای تابعی از تغییرپذیری نسلی در زمینه رفاه اقتصادی است. آلپورت به ارزش اقتصادی اشاره دارد که باعث کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی می‌شود. ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های هنری، ارزش‌های دینی، ارزش‌های علمی از ارزش‌های طبقه‌بندی‌شده از نظر اوست. از نظر شوارتز و باردی مهم‌ترین ارزش شامل قدرت‌طلبی؛ پیشرفت‌طلبی، لذت‌جویی، امنیت‌طلبی، نیک‌خواهی، هیجان‌طلبی، خودمحوری، عام‌گرایی، همنوایی، امنیت‌طلبی است؛ بنابراین نتایج تحقیق حاضر با نظریه‌های مطرح‌شده درباره ارزش‌های اجتماعی

رابطه همسویی دارد. به هر اندازه میزان ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه افزایش یابد، می‌تواند از بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان بکاهد.

در آزمون رابطه همبستگی بین سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شهر گرگان با بی‌تفاوتی اجتماعی نیز رابطه منفی و معناداری (۰/۲۸۲-) نشان داده است. بورديو، سرمایه اجتماعی را انبوهی از منابع بالفعل یا بالقوه‌ای که به مالکیت یک شبکه دوام‌دار متصل‌اند، نشان می‌دهد. همچنین بیان می‌کند که ارزش پیوندهای یک فرد (حجم سرمایه اجتماعی متعلق به یک عامل) به تعداد اتصالاتی که می‌تواند آن‌ها را بسیج نماید و به حجم سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) متعلق به هریک از اتصالات بستگی دارد. سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است. از نظر وی سرمایه اجتماعی یک منبع است زیرا متضمن شبکه‌های مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک هست. به نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی وجوه گوناگونی در سازمان اجتماعی دارد نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشند؛ بنابر نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت با افزایش میزان سرمایه اجتماعی از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان کاسته می‌شود. نتایج حاصله با نظریه‌های موجود درباره سرمایه اجتماعی همسو بوده است. همچنین تحقیق حاضر درباره نقش سرمایه‌های اجتماعی بر بی‌تفاوتی با تحقیق نبوی و همکاران (۱۳۹۳) و عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) همسو بوده است.

نقش عامل دین‌داری بدون در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر آن میزان (۰/۲۸۹-) رابطه منفی و معناداری را نشان می‌دهد. گلاک و استارک برای همه ادیان جهان چهار بعد دین‌داری معرفی کرده است؛ بعد اعتقادی، بعد تجربی، بعد مناسکی و بعد پیامدی نمونه آن است. از مصادیق بی‌تفاوتی اجتماعی می‌توان به کم‌توجهی و بی‌توجهی به اجرا یا عدم اجرای مسائل دینی در جامعه اشاره کرد که براساس آن ما عدم رعایت مسائل دینی را در جامعه می‌بینیم، اما به آن‌ها توجهی نمی‌کنیم یا مواردی مثل فزونی مواد مخدر، آزار و اذیت دیگران، گران‌فروشی که افراد هیچ مسئولیتی در قبال آن‌ها در خود احساس نمی‌کنند که این به معنای بی‌تفاوتی اجتماعی است. بی‌تفاوتی پدیده‌ای آسیب‌شناختی است که مانعی در راه توسعه ملی است؛ چراکه اگر مشارکت افراد در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی را شرط مهم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدانیم؛ بالا رفتن مظاهر دین‌داری در جامعه می‌تواند از میزان بی‌تفاوتی‌های اجتماعی بکاهد. نتایج حاصله با نظریه‌های دین‌داری همسویی دارد. نتایج تحقیق مبنی بر نقش مؤلفه‌های دین‌داری با تحقیق قائمی و همکاران (۱۳۹۴) و قاضی‌زاده (۱۳۹۴) همسو بوده است.

آنچه در ارتباط با نقش میانجی می‌توان از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی مؤثر بر بی‌تفاوتی یاد کرد، نقش مؤثر رسانه‌های نوین در بین شهروندان شهر گرگان بوده است که در این تحقیق نشان داده شد در بین شهروندان کمتر دیده شده است. به نظر بیرو، رسانه‌های جمعی «مجموع فنون»، ابزار و وسایلی را می‌رساند که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباط حسی یا اندیشه‌ها در یک‌زمان به شمار بسیاری از افراد و به‌خصوص در فواصل زیاد برخوردار باشد. می‌توان وسایل ارتباط جمعی نوین مانند تلویزیون، ماهواره، تلگرام و اینستاگرام را به‌عنوان نمونه نام برد. عصر جهانی‌شده امروزی به

روایت اشتراکین و دهکده جهانی مک لوهان جای ارتباطات و تعاملات رودررو را رسانه‌های نوین و شبکه‌های اینترنتی گرفته است. دیگر ارتباطات نیازمند مکان و زمان نیست و این ارتباط در کمترین زمان ممکن صورت می‌گیرد. بنابراین نفوذ و تأثیر شگرف رسانه‌های نوین می‌تواند باعث و تشدیدکننده بی‌تفاوتی‌های اجتماعی در جامعه باشد. نتایج حاضر با تئوری‌های مطرح‌شده رسانه‌های نوین همسو بوده است.

همان‌طور که براساس برخی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی در مدل نخست، برخی از مؤلفه‌ها رابطه معناداری با بی‌تفاوتی اجتماعی دارند که بعد اصلاح مدل با کمک تحلیل مسیر در مدل ساختاری مشخص شد که همه مؤلفه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توانسته است بر بی‌تفاوتی اجتماعی اثرگذار باشد. در این خصوص سبک زندگی نظام ارزشی نقش تعدیل‌کننده‌ای درباره دین‌داری، رسانه‌های نوین و سرمایه اجتماعی داشته است. رویکرد فردگرای حاکم در جامعه لیبرالی متأثر از غرب در بیشتر کشورها و گرایش به صنایع و سوداگری باعث شده است که مداخلات زیادی در زندگی اجتماعی افراد و شهروندان ایجاد شده باشد. به نظر بورديو شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاصی منجر می‌شود؛ بنابراین سبک‌های زندگی فردگرایانه امروزی در بروز و ظهور بی‌تفاوتی اجتماعی نقش مؤثری دارد. نتایج حاصله با تئوری‌های سبک زندگی نیز همسو بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

مقالات

اکبریور، روح‌الله؛ خرم‌آبادی، یداله. (۱۳۹۳). «نقش هنر در سبک زندگی ایرانی»، نخستین همایش ملی الکترونیک رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.

خوش‌فر، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مورد مطالعه: شهر گرگان)». پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)، ۸ (۱۴)، ۲۷-۵۲.

رسولی شاورستان، جلیل. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل نقش عوامل کالبدی و اجتماعی بر احساس امنیت در فضاهای شهری گرگان». فصلنامه علمی دانش انتظامی گلستان، ۹ (۳۵)، ۳۳-۵۶.

رهنورد، زهرا. (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی هنر و نقش ایدئولوژی»، هنرهای زیبا، شماره ۹، صص ۱۱-۴.

عبری، موسی؛ غلامیان، سارا. (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی». بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲، ۱۵۹-۱۳۳.

قاضی‌زاده، هورامان؛ کیان‌پور، مسعود. (۱۳۹۴). «بی‌تفاوتی در ایران» سومین اجلاس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم. کد COI مقاله: PESLSBTM_۰۳_۵۰۱.

کلانتری، صمد و همکاران. (۱۳۸۶). «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن». دو ماهنامه دانشگاه شاهد، شماره ۲۲، ۲۷-۳۶.

محسنی تبریزی، علی‌رضا؛ صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۰). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، ۱-۲۲.

مرادی، علی؛ صفاریان، محسن. (۱۳۹۷). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی‌تفاوتی جوانان (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)». مجله علمی مدیریت سرمایه اجتماعی، ۵ (۳)، ۳۸۵-۴۱۰.

مرادی، علی؛ صفاریان، محسن. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی: مورد مطالعه شهر کرمانشاه». جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۸ (۱)، ۱۵۸-۱۸۹.

نادری، حمدالله؛ بنی فاطمه، حسین و حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۸). «الگوسازی ساختاری رابطه بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی». مجله علوم اجتماعی، شماره ۲، ۲۹-۶۰.

نبوی، غلامحسین؛ نواح، عبدالرضا و امیر شیرزاد، نرگس. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)». مجله جامعه‌شناسی ایران. شماره ۳، صص ۱۶۱-۱۳۲.

نوابخش، مهرداد؛ میرزاپوری ولوکلا، جابر. (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر بابل)». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳، ۶۷-۵۳.

Mizjaji, A., & Almad, D. (۱۱۱۱). Public Apathy Towards Bureaucracy As A Constraint On The Development Of Saudi Arabia. Public Administration Quarterly, Fall ۱۱۱۱, ۲۵ ۴/۳, Abi/ Inform Global. P: ۲۷.

